نگاه

«بهارعربی» در تونس زنده است

ترجمه: زهرا رحیمی

بزمان پارسی‌بود: پیروزی حزب سکولار «ندای تونس» در انتخابات پارلمانی، دو درس مهم برای ناظران تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌همراه داشت. نخستین درس می‌تواند خوشبین‌کننده و دومین آن می‌تواند دلیلی برای نگرانی نسبت به چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیش‌روی تونس باشد.

نخستین درس انتخابات تونس آن بود که بهار عربی خیابانی یکطرفه نیست که لزوما به بنیادگرایی منتهی شود. خلاف خشونت غیرمنتظره‌ای که در جریان تحولات سیاسی در کشورهایی چون سوریه و لیبی به‌وقوع پیوست انتقال‌های به‌وقوع‌پیوسته در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دادند که گوچه مسلمانان نیروی مهم فرهنگی و اجتماعی در کشورهای آن منطقه به‌شمار می‌رود سا این حال، اکثریت مردم آن کشورها اشتیاق کمی به حکومت بنیادگرایان تندرو دارند. درواقع، می‌توان رد‌پای پیشرفت چشمگیر سیاستمداران لائیک‌را در مدت کوتاه پس از سقوط رژیم‌های اقتدارگرا در منطقه را در سازماندهی اجتماعی بلای آن با خدمات عمومی ارایه‌شده از سوی آنها به مردم دنبال کرد. تونس در مرکز حوادث قرار داشت. در سال ۲۰۱۱ میلادی از کشور تحت رهبری حزب «النهضه» قرار گرفت. در آن زمان این حزب نامزدهای متعدد زن را راهی انتخابات کرد. النهضه به‌دنبال بحران سیاسی ایجادشده در سال گذشته در جریان مذاکره با گروه‌های رقیب، قدرت را به‌صورت مسالمت‌آمیز واگذار کرد. رهبر این حزب «الباجی قائد السبسی»، ۸۸ساله، پیش‌تر به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت تونس در سال ۲۰۱۱ میلادی خدمت کرده بود و سابقه فعالیت سیاسی طولانی مدتی پیش از وقوع انقلاب را در تونس داشته است. در عین‌حال، در برنامه‌های انتخاباتی وقوع انقلاب را در تونس داشته که از فعالیت می‌کند. این همکاری در برنامه‌های العربیه که طرفدار زنان حزب خدمت کلمه به شمار می‌رفت، وقتی شما به کانال الجزیره هم‌نگاه کنید می‌توانید شرح اقدامات طرف دیگر را ببینید؛ تا حدی که شرح مشاهده می‌کنید از این کانال‌ها حولت یک کشور مجزا را روایت می‌کنند. حال آنکه یک نبرد واحد در جریان بوده و هرطرف از زاویه دید خود و به نحوی که خود می‌خواهد آن را روایت می‌کند.

نکته مهم آنکه گوگرسی آشکاری در گفتمان رسانه‌های عربی به وضوح دیده می‌شود. رسانه‌های غربی تا حد زیادی کشورهای شنگ‌اند همسایه لیبی تا حدودی خود را مسوول حل این بوزنه سیاسی می‌داند. در آنجا با «عبدالعزیز بوتفلیقه»، رییس‌جمهور این کشور ملاقات کرد. درحالی که رییس‌جمهوری الجزایر می‌گفت لیبی از دیسدار در چارچوب «نقاط دو کشور برای تحکیم روابط برادرانه و همکاری در همه زمینه‌ها» بوده است. گزارش‌های مطبوعاتی بیانگر آن بود که موضوع اصلی این دیدار، بحران لیبی بوده است. روزنامه الجزایری «الخبر» چاپ الجزایر نیز نوشته بود که باید با اولخر این ماه درباره آن داری کند)

۲ دیگری به چالش لیبی می‌جنگد؟ با هرطرف از زیرا بخش تاریک ماجرا بسیار بیشتر از بخش آشکار آن است. درست است که حمله هواپیماهای امارتی به طوبلی و دیدار لیبیه لوطبی به معنای اعلام علنی نقش مشارکت منطقهای در حوادث لیبی است. اما هنوز ما دقیقا نمی‌دانیم که پشت‌پرده چه می‌گذرد و تنها اطلاعات ما در حد خبرهایی است که برخی از آنها نیز قابل تایید نیست.

زمانی که ترتال خلیفه حفتر در تاریخ ۲۰۱۴/۵/۲۱ کودتای خود را علیه دولت افلاک گرد. بیانیه او از کانال العربیه پخش شد؛ یعنی شبکه‌ای که وابسته به عربستان سعودی است و در دوبی استقرار دارد. استفاده از تریبون مهم سعودی برای تبیین کاری نمی‌تواند تصادفی باشد و نمی‌توان آن را تنها یک رقابت رسانه‌ای تلقی کرد. این درواقع پیام عربستان و تاکید بر نقش انتقالی است که از آن در حمایت می‌کند. همچنین برخی اطلاعات حکایت از آن دارد که فرماندهان غیرنظامی افراط‌ترال حفتر هم در لوطبی تعیین شده‌اند. این درحالی است که طرف‌های دیگر هم برای خود در دوحه (بایتخت قطر) اتاق عملیات شکل داده‌اند. این روزها‌اگر بخشی از رسانه‌های عربی، سخنگوی دولت‌های انقلاب طرفدار آن زنال بازنشسته و گوه او شده و از موفقیت‌های عملیاتی او علیه «شهنشاطبان تورویست» در بنغازی صحبت می‌کنند، تریبون‌های دیگر عربی از بازگشت ضدقلاب صحبت می‌کنند و جزییات عملیات تورویستی شبه‌نظامیانی را شرح می‌دهند که تحت‌عنوان «صحوات - شوراهای بیداری» تشکیل شده و مجموعه‌های مرکب از عناصر قبایلی و تعدادی از رادیکال‌های طرفدار القاعده در آنها فعالیت می‌کنند. این همکاری در برنامه‌های العربیه که طرفدار زنال حفتر است کلمه «تیتر» می‌خورد. وقتی شما به کانال الجزیره هم‌نگاه کنید می‌توانید شرح اقدامات طرف دیگر را ببینید؛ تا حدی که شرح مشاهده می‌کنید از این کانال‌ها حولت یک کشور مجزا را روایت می‌کنند. حال آنکه یک نبرد واحد در جریان بوده و هرطرف از زاویه دید خود و به نحوی که خود می‌خواهد آن را روایت می‌کند.

۳ در لیبی چه کسی به چه کسی می‌جنگد؟ با هرطرف از زیرا بخش تاریک ماجرا بسیار بیشتر از بخش آشکار آن است. درست است که حمله هواپیماهای امارتی به طوبلی و دیدار لیبیه لوطبی به معنای اعلام علنی نقش مشارکت منطقهای در حوادث لیبی است. اما هنوز ما دقیقا نمی‌دانیم که پشت‌پرده چه می‌گذرد و تنها اطلاعات ما در حد خبرهایی است که برخی از آنها نیز قابل تایید نیست.

فریبا پژوه

روزنه

۲ درس از انتخابات پارلمانی تونس

تونس، نخستین کشوری که پس از خودسوزی اعتراضی یک دستفروش؛ «بهارعربی» را تجربه کرد؛ تحولی که از مرزهای تونس فراتر رفته و مرزهای چندکشور عربی دیگر را نیز درنوردید و خوشبینی ایجاد کرد که اغلب، دیری نپایید. تونس، اما امروز پس از گذشت چهارسال آزمون و خطا؛ راه خود را یافته است. آزمون برگزاری انتخابات آزاد پارلمانی در این کشور نشان داد که هرکدام از احزاب و جریان‌های فکری چه جایگاهی در جامعه تونس دارند. در کمتر از یک‌ماه آینده در این کشور انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار می‌شود. با ناگاهی به تحولات در منطقه شمال آفریقا و کشورهایی که «بهارعربی» را تجربه کرده‌اند، تحولی خوش‌اقبال به نظر می‌رسند. درگیری طایفه‌ای مانند عراق و سوریه در این کشور وجود ندارد. همچنین احزابی که پس از انقلاب، قدرت را در دست گرفتند، توانستند مانع ایجاد خشونت‌های داخلی در این کشور شوند. در این میان نباید نقش شیخ «راشد الغنوشی» رهبر حزب النهضه که حکیمانه عمل کرد و بلندپروازی‌های افراط‌گرایان حزبش را مهار کرد، نادیده گرفت. او در واقع از استیضاحی که احزاب اسلامی مانند «اخوان‌المسلمین» مصر مرتکب شدند، درس گرفت و در نهایت، اجازه نشش در تونس را نداد. این در حالی است که این اتفاق در الجزایر و لیبی نیفتاد و این کشورها جنگ‌های خونین داخلی را پس از انقلاب تجربه کردند. باید توجه داشت تونس از نفت و فساد حواشی آن نیز بی‌بهره بوده و این مساله هم توانست در ثبات این کشور نقش داشته باشد. اما مهم‌ترین دلیل وجود ثبات نسبی در تونس را می‌توان حضور قشل طبقه متوسط روشنفکری در این کشور دانست. قشل طبقه متوسط روشنفکری در این کشور دانست. «لنگر ثبات» در این کشور عمل کرده است. از سوی دیگر، تحرکات اسلامی میانه‌رو در آن وجود دارد و همچنین زنان نقش قوی و فعالی در این کشور دارند.

دکتر «هاجر الجندوبی»، جامعه‌شناس، استاد دانشکده علوم اجتماعی و جمعیت‌شناسی دانشگاه تونس و مشاور عالی آموزشی در وزارت آموزش و پرورش، از جمله زنانی است

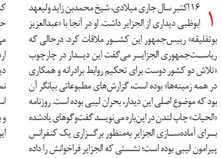

که در جامعه مدنی تونس فعال است. هرچند به اعتقاد او، تونسی‌ها هنوز از نتیجه انقلاب خود راضی هستند، اما به گفته او، مردم پس از برگزاری انتخابات پارلمان به آینده کشور امیدوار شده‌اند.

الجندوبی در گفت‌وگوی خود با «شرق» تاکید می‌کند مهم‌ترین مطالبه مردمی که منجر به وقوع انقلاب شد، آزادی بیان و عقیده بود. از همین‌رو، امروز شاهد آن هستیم که زنان چادریوش و محجبه هم مانند سایر زنان به‌راحتی در اماکن عمومی ظاهر می‌شوند و فارغ از تعصبات، با چیپ‌ها و لیبرال‌ها تعامل دارند.

◀ «بهارعربی» سه‌سال پیش از تونس آغاز شد. امروز، پس از چهارسال، سرنوشت انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اجازه می‌خواهم بسا نتایج انتخابات پارلمانی در تاریخ ۲۶اکتبر۲۰۱۴ آغاز کنم که فرایند انقلاب تونس را تا حدودی اصلاح خواد. نتایج از این قرار بود: جنبش ندای تونس، توانست ۸۵درصدکرسی‌های پارلمان را آژان خود کند. تا حزبی مشکل از جریانات سیاسی مختلف است از اتحادیه قانون‌اساسی دموکراتیک برعلی و حزب دستور حبیب بورقیبه تا جبهه‌های میانه‌رو و اتحادیه‌ها حزب اسلامگرای النهضه ۶۹ کرسی را تصاحب کرد. اما تمامی هم‌پیمانان خود را از دست داد و اتحادیه ملی آزاد زنان تونس نیز به‌عنوان حزبی لیبرال، ۱۶کرسی به دست آورد. جبهه مردمی تونس نیز به‌عنوان جریانی چپگرا ۱۵ کرسی به دست آورد. همچنین باقی کرسی‌ها نیز عمدتا بین دیگر احزاب لیبرال تقسیم شده‌اند.

به این ترتیب نتایج انتخابات حاکی از عزم تونسی‌ها برای تشکیل دولتی مدنی است که به آزادی‌های فردی و جمعی احترام می‌گذارد. به بیلور من، انقلاب در تونس فرآیندی نوظهور بود. در این میان، نیاز به وجود یک جنبش اجتماعی احساس می‌شد تا به‌مثابه نکاله نیروهای اجتماعی، به احزاب حاکم فشار وارد کند. از نقش نخبگان و جامعه مدنی نیز نباید غافل شد که برای دفاع از حقوق شهروندان تونسی بسیار ضروری است.

◀ مشکلات اقتصادی، عامل اصلی انقلاب در تونس بود. چالش‌های اقتصادی و اجتماعی در این کشور بالاست. آیا وضعیت اقتصادی در تونس در چندسال گذشته بهبود یافته است؟

دولت برآمده از حزب اسلامی النهضه و متحدان پس از انتخابات ۲۳اکتبر ۲۰۱۱ زمام امور را به‌دست گرفتند. در رفع چالش‌های اقتصادی و اجتماعی ناتوان بوده و در نتیجه اوضاع نسبت به قبل نه‌تنها بهبودی نیافته، بلکه حتی بدترهم شده است. نرخ بیکاری افزایش یافته، نرخ تولید و بهره‌وری کاهش یافته و درآمدهای ناشی از صنعت گردشگری نیز افت چشم‌گیری داشته است. افزایش قیمت‌ها، اوضاع بی‌ثبات امنیتی و بروز تحرکات تروریستی در صفوف ارتش از دیگر چالش‌های پیش‌روست. تمامی این مخاطرات منجر به آن شد تا دولت برآمده از حزب النهضه در مارس ۲۰۱۴ برکنار شده و دولتی جدید متشکل از تکنوکرات‌ها تاسیس شود. سال ۲۰۱۳ سال پرتنش و ناامنی برای تونس بود. در سال ۲۰۱۴ سال پرتنش و ناامنی برای تونس بود. در سال گذشته دو نفر از مخالفان دولت و ۲۰۰نفر از نظامیان و پلیس عملیات تروریستی گروه‌های مسلح تندرو جان خود را از دست دادند. اوضاع از نظر اقتصادی در تونس آنچنان بحرانی

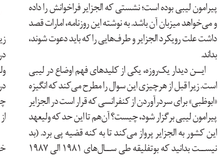

نیست. اما تونس با تحدودی خود را مسوول حل این بوزنه سیاسی می‌داند. در آنجا با «عبدالعزیز بوتفلیقه»، رییس‌جمهور این کشور ملاقات کرد. درحالی که رییس‌جمهوری الجزایر می‌گفت لیبی از دیسدار در چارچوب «نقاط دو کشور برای تحکیم روابط برادرانه و همکاری در همه زمینه‌ها» بوده است. گزارش‌های مطبوعاتی بیانگر آن بود که موضوع اصلی این دیدار، بحران لیبی بوده است. روزنامه «الخبر» چاپ الجزایر نیز در این‌باره می‌نویسد گفته‌های بلندنده برای آمادسازی الجزایر به‌منظور برگزاری یک کنفرانس پیرامون لیبی بوده است. تنشی که الجزایر فراخوانش را داده و می‌خواهد میزبان آن باشد به نوشته این روزنامه، اقدام قصد داشت علت رویکرد الجزایر و طرف‌هایی را که دیده شود، نشود. بدانند.

لیبی دیدار یک‌روزه، یکی از کلیدهای قفهم اوضاع در لیبی است. زیرا قبل از هرچیزی این سال را مطرح می‌کند که گفته «لوطبی» برای مردم آورده از کنفرانسی که قرار است در الجزایر پیرامون لیبی برگزار شود، چیست؟ آن‌هم تا این حد که ولیعهد این کشور به الجزایر پرواز می‌کند تا به کنه قضیه پی برد. (بد نیست بدانید که بوتفلیقه طی سال‌های ۱۹۸۱ الی ۱۹۸۷ دوران تبعید خود را در امارات گذرانده بود). این دیدار البته می‌تواند بالاخصه داستان هایپمهای امارتی را که در اواخر ماه آگوست سال جاری به بمباران برخی مواضع دولتی در طرابلس پایتخت لیبی اقدام کردند به ذهن متبادر کند. این خبری بود که روزنامه نیویورک‌تایمز آن را نقل کرد و خبرگزاری فرانسه نیز آن را نکرار و منابع وزارت دفاع آمریکا نیز بعدها تایید کردند. در پشت این خبرهاالطات دیگری منتشر شد که زنال حفتر «بوعلی» در لیبی به به صورت تنها، یک‌پله در چارچوب سلسله مراتب و عربستان سعودی قرار دارد. این درواقع ریوکردی جدید در سیاوت‌های سنتی شیخ زاید، بنیانگذار امارات متحده نفتی می‌شود که همواره صورت دادن امارات نقشی آشتی‌جویانه و به چرا از اردوکشی‌های عربی داشته باشد. (روزنامه «الحیات» با انتقاد از حملات هوایی امارات در یک تحلیل نوشت که هواپیماهای امارتی در شرایطی هزاران میل راهی کردند تا بتوانند طرابلس را بمباران کنند. که هواپیماهای اسرایلی هرروزه غزه را بمباران و خانه‌های مردم آنجا را به سا کاشتن ویران می‌کنند).

پس‌زمینه‌های این دیدار البته مسا را به اتفاقی رهنمون می‌کند که «لوطبی» نیز در آن نقش رهبری‌کننده داشته و درواقع از یک از طرف‌های درگیر جنگ است. طرف دگر که قبل یک سرگردانزنسته به نام «لیفه حفتر» ظاهر شده و در «طوری» ارد وزد است. این درحالی است که الجزایر می‌کوشد نقش میانجی را برعهده گرفته و دعوت به گفت‌وگوهایی کند که همه طرف‌های درگیر در آن مشارکت داشته باشند. دولت تونس نیز از این ابتکار عمل حمایت می‌کند. الجزایر در مجموعه

روزنه

۲ درس از انتخابات پارلمانی تونس

بزمان پارسی‌بود: پیروزی حزب سکولار «ندای تونس» در انتخابات پارلمانی، دو درس مهم برای ناظران تحولات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به‌همراه داشت. نخستین درس می‌تواند خوشبین‌کننده و دومین آن می‌تواند دلیلی برای نگرانی نسبت به چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پیش‌روی تونس باشد.

نخستین درس انتخابات تونس آن بود که بهار عربی خیابانی یکطرفه نیست که لزوما به بنیادگرایی منتهی شود. خلاف خشونت غیرمنتظره‌ای که در جریان تحولات سیاسی در کشورهایی چون سوریه و لیبی به‌وقوع پیوست انقلاب‌های به‌وقوع‌پیوسته در خاورمیانه و شمال آفریقا نشان دادند که گوچه مسلمانان نیروی مهم فرهنگی و اجتماعی در کشورهای آن منطقه به‌شمار می‌رود سا این حال، اکثریت مردم آن کشورها اشتیاق کمی به حکومت بنیادگرایان تندرو دارند. درواقع، می‌توان رد‌پای پیشرفت چشمگیر سیاستمداران لائیک‌را در مدت کوتاه پس از سقوط رژیم‌های اقتدارگرا در منطقه را در سازماندهی اجتماعی بلای آن با خدمات عمومی ارایه‌شده از سوی آنها به مردم دنبال کرد. تونس در مرکز حوادث قرار داشت. در سال ۲۰۱۱ میلادی از کشور تحت رهبری حزب «النهضه» قرار گرفت. در آن زمان این حزب نامزدهای متعدد زن را راهی انتخابات کرد. النهضه به‌دنبال بحران سیاسی ایجادشده در سال گذشته در جریان مذاکره با گروه‌های رقیب، قدرت را به‌صورت مسالمت‌آمیز واگذار کرد. رهبر این حزب «الباجی قائد السبسی»، ۸۸ساله، پیش‌تر به عنوان نخست‌وزیر دولت موقت تونس در سال ۲۰۱۱میلادی خدمت کرده بود و سابقه فعالیت سیاسی طولانی مدتی پیش از وقوع انقلاب را در تونس داشته است. در عین‌حال، در برنامه‌های انتخاباتی وقوع انقلاب را در تونس داشته که از فعالیت می‌کند. این همکاری در برنامه‌های العربیه که طرفدار زنال حفتر است کلمه «تیتر» می‌خورد. وقتی شما به کانال الجزیره هم‌نگاه کنید می‌توانید شرح اقدامات طرف دیگر را ببینید؛ تا حدی که شرح مشاهده می‌کنید از این کانال‌ها حولت یک کشور مجزا را روایت می‌کنند. حال آنکه یک نبرد واحد در جریان بوده و هرطرف از زاویه دید خود و به نحوی که خود می‌خواهد آن را روایت می‌کند.

نکته مهم آنکه گوگرسی آشکاری در گفتمان رسانه‌های عربی به وضوح دیده می‌شود. رسانه‌های غربی تا حد زیادی

زنان تونسی حق خود را به رسمیت شناسانده‌اند

«هاجر الجندوبی» فعال مدنی تونسی در گفت‌وگو با «شرق»:

◀ آیا امروز تونس از انقلاب خود راضی است؟

فکر می‌کنم تونس‌ها از نتیجه انقلاب خود نارضی‌اند. چراکه آنان شاهد هیچ تغییری نبوده‌اند و بحران اقتصادی نیز کماکان در سطال گذشته باقرار بوده است. این‌روزها، ذغدغه اصلی مردم تونس امنیت و کاهش هزینه‌های زندگی به‌خصوص برای طبقه متوسط و فقیر این کشور است. دیگر نشانی از شعارهای دوران انقلاب همچون آزادی و دموکراسی به چشم نمی‌خورد. در سال‌های گذشته گروه‌های مسلح تروریستی به‌خوبی سازمان یافته‌اند. در سال اول انقلاب، زمانی که مردم در خیابان‌ها کارناوال داشتند و رویای به‌ثمررسیدن انقلاب را در سر می‌پروراندند، آنان خود را سازمان دادند. آنان از این دوره بی‌نظمی سود بردند و امروز نه‌تنها در نزدیکی مرز الجزایر، بلکه همه‌جا هستند.

◀ منبع اصلی درآمد مردم در تونس از توریسم و گردشگری است. به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته از تعداد گردشگران در تونس کم شده است. وضعیت گردشگری در این کشور امروز چگونه است؟

بله، بی‌شک تونس یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی خود که گردشگری بود را از دست داده است. دلیل آن هم چیزی جز وخامت اوضاع امنیتی و بروز تحرکات تروریستی در سرتاسر کشورمان نیست. تونس‌ها کنونی به‌عنوان یک کشور مجزا در سرتاسر الجزایر، به‌خصوص در مناطق مرزی با الجزیره و لیبی است. از سوی دیگر، گزارش اخیر بانک جهانی نیز نشان می‌دهد در زمانی که کشور النهضه حکومت را بر عهده داشت، تتوانست در حوزه اشتغال قدم مثبتی بردارد و به‌دلیل استراتژی نادرست نتوانست سرمایه‌های خارجی را جذب این کشور کند. اگرچه اقتصاد تونس این قابلیت را دارد تا تبدیل به بر اقتصادی مدیترانه شود؛ اما در عمل هیچ‌کدام از این حوزه‌ها اجرایی نشده است. آمار نشان می‌دهد تونس در دوسال گذشته از صندوق بین‌المللی پول ۱/۷ میلیارددلار وام دریافت کرد تا اصلاحات لازم را در حوزه اقتصادی پیاده کند. این موضوع باعث شده تا از زرش «دینار» تونس کم شود و به این‌ترتیب میزان سرمایه‌گذاری خارجی امروز به بایین‌ترین حد خود رسیده است.

◀ شما استاد دانشگاه و یکی از فعالان حقوق زنان در تونس هستید. وضعیت زنان را پس از انقلاب تونس چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فکر می‌کنم زنان تونسی توانسته‌اند به‌خوبی حقوق خود را در قانون‌اساسی جدید به رسمیت بشناسانند و از آن دفاع کنند. همه تلاش‌های سلفی‌ها و طرفداران تندرو حزب النهضه نیز نتوانست تهدیدی برای این بخش از دستاوردهای زنان باشد. گروه‌های فعال و طرفدار حقوق زنان توانستند با جدیت برای دستیابی به حقوق خود و پاسداشت از حقوق زنان کشور رایزنی کنند و به نظر من در نهایت موفق بوده‌اند.

در نهایت راهبری برای مردم تونس نیست. آنان باید در مقابل تندروها و حرکت گروه‌های تروریستی مقاومت و برای اینده بهتر فرزندان‌شان مبارزه کنند. فکر می‌کنم همه مردم تونس، روشنفکران، هنرمندان و روزنامه‌نگاران باید مسوولیت خود را برای گسترش آگاهی برعهده بگیرند. فرهنگ صلح و تفاسیر به‌روز از متون مذهبی و دینی را ترویج کنند و آموزش‌وپرورش مدرن را توسعه دهند.

◀ این نخستین‌بار است که ۴۹درصد زنان برای انتخابات پارلمانی کاندیدا بوده‌اند. آیا این مساله می‌تواند نشانه‌ای برای حضور بیشتر زنان در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی باشد؟

اگرچه این روند، تا حدودی نشان از حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی دارد، اما زنان سرلیست انتخاباتی احزاب پرطرفدار تونس نبودند و این امر شاکی آنان را برای پیروزی در انتخابات کاهش می‌داد. به نظر من اکنون وظیفه جامعه مدنی است تا بر ادامه‌یافتن این روند و حضور پررنگ‌تر زنان در پارلمان تاکید داشته باشد.

◀ زنان مذهبی نیز بخشی از جامعه زنان تونس را تشکیل می‌دهند. فعالیت این زنان در تونس چگونه است؟ آیا آنان ارتباطی با جامعه زنان چپ یا لیبرال دارند؟

می‌توان گفت مهم‌ترین مطالبه مردمی که منجر به وقوع انقلاب شد، آزادی‌بیان و عقیده بود. از همین‌رو، امروز شاهد آن هستیم که زنان چادریوش و محجبه به‌راحتی در اماکن عمومی ظاهر شده و فارغ از تعصبات، با چیپ‌ها و لیبرال‌ها تعامل دارند. اما آن‌جایی مشکل پیش می‌آید که زنان نقاب‌پوش سروکار داریم، چرا که جامعه تونس با این نوع از حجاب احساس بیگانگی می‌کند.

◀ سلفی‌های تندرو در تونس همواره فعالیت داشته‌اند. فعالیت آنها این‌روزها تا چه‌حد جدی است؟

در چهارسال گذشته فعالیت سلفی‌ها و تندروها در تونس افزایش یافته است. هرچند ما هنوز بعطور دقیق نمی‌دانیم که آیا این نیروها توسط «ار سی دی» یا همان طرفداران بن‌علی حمایت می‌شوند و آیا حامیان دیگری دارند یا نه اما بمعرحال نباید نقش گروه‌های سلفی تندرو در دامن‌زدن به بحران داخلی و انسجام‌بخشیدن به گروه‌های چپ و لیبرال را نادیده گرفت. اطلاعات ما از نقش این جریان در ترور «شکری بلعید»- از رهبران چپ احزاب مخالف دولت -نیز حکایت داشت. گروه‌های افراطی با اقدامات خود فضای جامعه تونس را به‌سوی قطب‌بندی و شکاف‌های عمیق سوق می‌دهند.

۴۹درصد زنان برای انتخابات پارلمانی کاندیدا بوده‌اند. زنان سرلیست انتخاباتی احزاب پرطرفدار تونس نبودند و این امر شائبی آنان را برای پیروزی در انتخابات کاهش می‌داد. به نظر من اکنون وظیفه جامعه مدنی است تا بر ادامه‌یافتن این روند و حضور پررنگ‌تر زنان در پارلمان تاکید داشته باشد

دریچه

قدم‌هایی رو به عقب!

سمیرا فرخ‌منش: در میان هلهله و شادمانی پس از رفتن معمر قذافی در خیابان‌های شهرهای لیبی، شنیدن سخنانی از رییس شورای ملی انتقالی برای مدت چندروز؛ این شور و شادی را میان مردمان لیبی از میان برد و رسانه‌ها و بخشی از انقلابیون و گروه‌های فعال حقوق زنان را دچار سکوتی ناخوشایند کرد.

«قوانین کشور تغییر خواهد یافت و قانون تک‌همسری لغو شده و به جای آن، چندهمسری جایگزین خواهد شد». این سخنان در حالی توسط مصطفی عبدالجلیل در روز «جشن آزادی» لیبی عنوان می‌شد که براساس شواهد و رویدادهای تحول سیاسی ۲۰۱۱ لیبی، نقش زنان در طول تقویم انقلابی این کشور بسیار پررنگ بود و به همین سبب این بخش از جامعه لیبی بی‌صرانه در انتظار وقوع تغییرات حقوق- اجتماعی به نفع خود بودند.

اما اوضاع آن‌طور که مطلوب زنان لیبیایی بود پیش نرفت و نه در حوزه سیاست و نه اجتماع. تغییرات مثبت که چرخشی به سوی افق‌های ایدهال زنان باشد، رخ نداد علت این اتفاق را می‌توان در ایده‌های اجتماعی جامعه لیبی جست‌وجو کرد. گرچه در زمان حکمرانی قذافی، دولت وقت معتقد بود به زنان محدوده حقوقی گسترده‌ای اختصاص یافته، همچون اجازه تحصیل یا حق طلاق، اما نکته اینجاست که این رویکرد در مقایسه با دیگر جوامع عربی صورت می‌گرفت. برای نمونه در مقایسه با عربستان سعودی، که جامعه زنان درگیر ابتدایی‌ترین حقوق انسانی خود هستند، بانوان لیبی دارای اجازه حضور در دانشگاه یا مجوز در خواست طلاق بودند. همین امر از سکانه قذافی امتیازات ویژه‌ای به شمار می‌رفت که توسط رژیم وی به زنان اعطا شده بود؛ اما این رویکرد، در اصل واقعیت تغییری نمی‌داد. واقعیت جامعه لیبی قضایی به‌شدت سنتی- قبیله‌ای است که توسط اندیشه اسلامی (سنی) اداره می‌شود. تمامی سازمان حکومت، بافت‌های زیرین جامعه نیز سر مبنای اصولی محدود قرار می‌کنند که حاصل آن، قضایی به غایت مردانه است. تا جایی که بخش عمده‌ای از زنان لیبی هم براساس آموزه‌های قبیله‌ای که به حضور در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت‌های اجتماعی تمایلی نمی‌دهند عمر می‌نمودند راه را می‌پوشاند. در چنین فضایی جامعه لیبی با محور کرده و موجب دشواری افزون‌تر گروه‌های فعال در حوزه حقوق زنان شود؛ چراکه در جامعه کنونی لیبی بسیج کردن گروه‌های اسلامی برای پیشبرد اهداف سیاسی، به مراتب دارای اهمیت بیشتری از پرداختن به مسایل زنان است. در واقع این قبیل بسیج و جمعیت‌های مذهب‌گرا هستند که می‌توانند انسجام میان قبایل را حفظ کرده و از اختلاف میان آنها جلوگیری و این گونه برای اداره حکمرانی حاکمان پس از قذافی را هموار کنند. بنابراین پرداختن به امور زنان نیز باید براساس شریعت اسلامی شکل گیرد تا رضایت قبایل محافظه‌کار لیبی، که چهار قذافی و قیام و چه پس از مرگ وی همیشه در پشت‌پرده ساختار تصمیم‌گیری لیبی حضور دارند، نقش مهم در نتیجه با توجه به این شرایط، به سهولت می‌توان موقعیت حقوقی زنان لیبی را پس از کنارفتن قذافی نه‌تنها پیشرفت قلمداد نکرد، بلکه آن را قدم‌هایی رو به عقب نیز نامید.

یادداشت

ترکه سیاه «داعش» بر سر نظام آموزشی عراق

«اجتماعی‌شدن سیاسی» فرایندی است که به‌وسیله آن افراد در جامعه‌ای معین با نظام سیاسی آشنا می‌شوند و تا اندازه قابل‌توجهی افراد‌کشان از سیاست و واکنش‌هایشان نسبت به پدیده‌های سیاسی تعیین می‌شود. به این حال، تمایزی اساسی میان اجتماعی‌شدن آگاهانه و عمدی از یک‌سو و اجتماعی‌شدن ناآگاهانه و محیطی از سوی دیگر وجود دارد. تعریف محدود اجتماعی‌شدن سیاسی در کوشش‌های آشکار جامع تحت زمامداری رژیم‌ها و گروه‌های توتالیتر (تمامیت‌خواه) برای القای ارزش‌های معین از طریق نظام آموزشی امری معمول بوده است.

گروه «داعش» از سازوکار اجتماعی‌شدن سیاسی به‌خوبی آگاه است. این گروه با استفاده دقیق از رسانه‌های دیداری، شنیداری و مکتوب سعی دارد تا عقاید خود را به هواداران و کسانی که انگیزه لازم برای عضویت در آن گروه را دارند، القا کند. برای مثال، «داعش» از طریق ماهنامه خود که توسط گروه رسانه‌ای موسوم به «الحیاه» منتشر می‌شود، با تندید جنگ ایدئولوژیک علیه هر آن کس که غیر از آنان می‌اندیشد و دیگری؛ محسوب می‌شود، آورده است: «هیچ‌یک از عقاید از جمله بعثیسم، سکولاریسم، لیبرالیسم، دموکراسی یا هرچیز دیگری که در مغایرت با اصل توحید است. از نظر ما قابل‌پذیرش نیستند... بر مبنا که تلاش کنیم تا گزینه «آزادی انتخاب» را حذف کنیم تا مانع از هوی‌وهوس‌های مردم شویم... باید دانست که «داعش» در حمله به کمونیست‌های مرتد عضو واحدهای دفاع مردمی و پ.ک.ک درنگ نخواهد کرد و به مبارزات خود ادامه خواهد داد... به یاری خدا مرتدهای سکولار در هرنرگ و لیبی خوار خواهد شد»

با این حال، نکته خطرناک‌تر توسل این گروه به «آموزش» از طریق مدارس به کودکان عراقی و سوری با هدف شست‌وشوی مغزی آنهاست. ماه سپتامبر گذشته مدارس شهر «موصل» استان نینوی منطقه تحت اشغال «داعش» در عراق به دستور نیروهای آن گروه از آموزش هنر، موسیقی، تاریخ، ادبیات و برگزاری کلاس‌های مذهبی درباره مسیحیت منع شدند. شبکه آمریکایی «سی‌بی‌اس» با انتشار گزارشی در این‌باره اشاره کرده بود که خانواده‌های عراقی تصمیم دارند تا فرزندانشان را در خانه‌ها نگه دارند و یا استفاده از برگزاری «مدارس خانگی» به‌ایشان آموزش دهند. «داعش» با آگاهی از این موضوع اعلام کرده بود آموزش مخفیانه «مجازات سنگینی» را برای مرتکبین به همراه خواهد داشت. این گروه همچنین با نصب پوسترهایی در مناطق اشغال‌شده با لحنی ستایش‌آمیز نوشته بود: «خبر خوبی دارم و آن تاسیس دیوان آموزش «داعش» توسط خلیفه است که با هدف محو جهالت، اشاعه علوم دینی و مقابله با تحصیلات فاسد به‌کاری شده است». در بخش دیگری از این بیانیه که در عراق و سوریه منتشر شده آمده است: «از این پس خواهران سروهایی با مضامین «لیلی گرایانه» و «وطن‌دوستانه» ممنوع است. عکس‌ها باید از کتاب‌های درسی حذف شوند، به جای واژه «وطن» از «دولت اسلامی» و «سرحدات شام» استفاده شود، معادلات ریاضی که به نفع راهنمایی، دموکراسی و انتخابات هستند باید حذف شوند، مسایل مربوط به «تئوری تکامل» داروین دیگر مطرح نشوند و تنها با قید این موضوع که همه قوانین فیزیک و شیمی آفریده پروردگار هستند اجازه تدریس آنها وجود دارد»؛ «داعش» نخستین گروهی نیست که درصدد القای ایده‌های تمامیت‌خواهانه خود از طریق نهاد «آموزش» به کودکان است. این امر بیش از نیز در تاریخ سابقه داشته است. طالبان در دوره حکمرانی خود در افغانستان در کنار اعمال ممنوعیت برای تحصیل دختران، در کتاب‌های آموزشی پسران بخش‌هایی را گنجانده بودند که چگونگی ارتباط با کلاشنیکف و آموزش رشادت از طریق تفریق تعداد اعضای کشته‌شده گروه‌های رقیب را مطرح می‌کرد. پیش از تشکیل گروه طالبان، مدارس مذهبی پاکستان وظیفه تربیت نیروهای جنگی آن گروه را در کنار گروه برعهده داشتند. برای مثال، در یکی از معادلات مطرح‌شده در کتاب‌های آموزشی مدارس آمده بود: «اگر ۱۰ کافر پنج نفر آنان توسط یک مسلمان کشته شوند، پنج‌نفر دیگر باقی می‌مانند».

سنتوسنتوی معنی کودکان از طریق نهادهای آموزشی، منحصر به گروه‌های مذهبی نبوده است. نازی‌ها در آلمان در این امر سرمدار بودند. آدولف هیتلر در دیدخوانی لیبی در سال‌های ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ درباره لزوم آموزش و تربیت جوانان نازی گفته بود: «هنگامی که یکی از مخالفان اعلام می‌کند من در کنار شما قرار نخواهم گرفت، من به آلمانی می‌گویم قدمت را به عقب بگذار تا شما هم عضو شوید!» شما در خیر می‌گذرید اما فرزندان شما اکنون در اردوی جدید قرار دارند. در زمانی که کودکان آنها هیچ‌چیز دیگری را به جز در اجتماع جدید نخواهند شناخت، ما تزریق روح این